

جنگ فلسطین، جنگ صلیبی غربی با پوش حقارت آمیز صهیونیستی!

(ترجمه)

طوفان الاقصی و ثبات مردم شام، بزرگ‌تر از رژیم کوچک و ناچیز یهود و دولت‌های مزدور و خائن است؛ زیرا طوفان الاقصی تجسمی از عزم آهنین مسلمان‌ها و چلنج حقیقی اسلام و ایمان‌شان در برابر تمام پیامدها و دشواری‌ها و بیان عملی از نفوذ قوی اسلام در میان بشر و جغرافیاست. این حرکت بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده برای نزدیکی یک مرحله‌ی تمدنی به سوی طلوع صبح اسلام و محو شدن سیاهی شب غرب ملعون است.

پس غرب ملعون چقدر محاسبات خویش را غلط انجام داده؛ بل یقین نموده که اسلام دوباره در صحنه آمده و کفرش از بین می‌رود. شکست پایگاه و مرکز وحشیت و جنایات غرب، یعنی رژیم حقیر یهود که به دست خویش ایجاد نموده و آن را در معرض دید و شنودش قرار داده است، غرب را هراسان ساخته و ترسش را افزوده است. مدام آن را تغذیه و تقویت می‌کند تا به جهت برآورده شدن هدف ایجادش حرکت کند؛ اما زمانی که موعدهش فرارسد، حقارت رژیم یهود برملا شده و بدکاری‌هایش افشا می‌شوند. پایگاه غرب متزلزل شده و مهم‌ترین سلاحش از بین می‌رود.

خطرناک‌ترین معضله‌ی غرب اینست که سرزمین شام شعله‌ور است و انقلاب مبارک مردمش به مرحله‌ی دوم وارد شده و با صخره‌هایش بزرگ‌ترین مکر و نیرنگ غرب را شکست داده است. این شعله‌ی سرزمین مبارک است که معضله‌ی غرب را افزوده و حقارت رژیم پایگاه از محکم بودن موقف مردم شام نمایان شده و ارکانش متزلزل گشته است.

این تراژیدی هیچ چاره‌ای برای غرب باقی نگذاشته است؛ جز تمام برگه‌هایش مبنی بر این که رژیم یهود پایگاه و ابزار جنگ صلیبی غرب علیه اسلام و پیروانش است و این که محافظت از پایگاه جزء وظایف مهمش است، برملا کند و نشان دهد که گردآمدن نیروها، هواپیماها، کشتی‌ها، پهبادها، ناوها و پل‌های کمکی از قبیل پایگاه‌های ننگین به کشورهای خائن و وظیفه‌ی صلیبی برای جنگ صلیبی غربی است و می‌خواهد نور اسلامی را که نزدیک است، نور چشمش را ربوده و فرهنگش را به فنا دهد، خاموش کند.

بدون شک مسئله‌ی ما با غرب راهبردی و جوهری است که جوهر آن جنگ فرهنگی خونین، سخت و دائم میان حق اسلام و کفر غرب است که سابق نظام کلیسایی و امروز سکولاریستی است. آتش این جنگ نه خاموش و نه هم سست شده است؛ بلکه شعله‌هایش در دهه‌های اخیر افزایش یافته و خشونت و خونین بودنش همگام با حرکت و زنده شدن فعالیت اسلام در میان مردمش بزرگ‌تر شده است.

پس غرب همان غرب صلیبی و کینه‌توز بوده و خواهد بود. اسلام همان اسلام حق آشکار بوده و همیشه هست. پس هرچند کیفیت جنگ تغییر یافته باشد، ماده‌ی مبارزه و جنگ پایان نیافته است. این همان جنگ غرب صلیبی است که پایان‌ناپذیر بوده و تمام جنگ‌های مستقیم و نیابتی‌اش افروختن آتش صلیبی کینه‌توز بر اسلام و اهل اسلام است.

پس جنگ همان لحظه‌ی حقیقی و برهنه است که از وحشی‌گری صلیبی غرب و کینه‌ی سیاهش بر اسلام و اهل اسلام پرده برمی‌دارد، تمام ابرهای گمراه‌سازی، غش‌کاری و فریب‌کاری از روی آن کنار می‌رود و آن‌چنان که هست و باید باشد، ظاهر می‌گردد. جنگ میان اسلام و کفر و میان مسلمانان و صلیبی‌هاست.

گردآمدن صلیبی‌ها از قبیل نظامیان امریکا و انگلیس بر روی هواپیمابرها، کشتی‌ها و پل‌های امن هوایی برای پروازهای‌شان از پایگاه‌های ننگین در کشورهای خائن و تجهیزات نظامی آینده از اروپای صلیبی و این لشکرکشی‌ها و کامیون‌های عاطفی اروپا و غرب علیه مسلمین در سرزمین مبارک برای ترس از یهود نیست؛ بلکه آن‌ها حقیرتر از این هستند که غرب خود را درگیر و مشغول امورشان بگرداند. غرب همان است که یهود را از طریق کلیساهای خویش مورد آزار و کشتار قرارداد. آن‌ها را مجبور ساخت تا از ترسش به سرزمین‌های اسلامی فرار کنند. بازهم غرب همان است که یهود را از طریق سیکولریزم در جنگ جهانی دوم قتل‌عام کرد، سپس برای نجات، آن‌ها را به‌عنوان هیزم آتش جنگ صلیبی و پیش‌مرگ‌ها در مرکز خانه‌ی مسلمان‌ها انداخت.

قبل از آن پایداری مردم شام در سست کردن توطئه‌های غرب و امروز هم طوفان الاقصی این پایگاه را متزلزل ساخته و رژیم حقیر را نیز با خود متشتت کرد. بنابر این، غرب از پیامدهای آن در هراس افتاد. این اتفاقات جز سرعت گرفتن حرکت اسلام در بازگشت و ریشه دواندن آن در امتش، صیقل یافتن بیداری دینی، بینش عمیق در مورد قدرت و بزرگی نیروهایش، نزدیک شدن طلوع صبح و روشن شدن شبش نیست. رژیم حقیر یهود به‌عنوان پایگاه غربی گذاشته‌شده در برابر عمل حقیقی گروه کوچکی از مؤمنان در جبهه‌گیری و سد واقع شدن، ذلت پایگاه و حقارت رژیم را آشکار نموده و از روی طبیعت و مأموریت رژیم پرده برداشت و حقیقت دشمن صلیبی که رژیم را مدیریت می‌کند، روشن ساخت.

تمام زدوخوردهای سرزمین مبارک در واقع بخش‌های از جنگ صلیبی غرب است که رژیم پایگاه یهود ابزار آن است. زمانی که پایگاه متزلزل و سست شده غرب صلیبی مجبور شد، وارد مداخله‌ی مستقیم شود تا هم‌چنان بر آن باقی‌مانده و برنامه‌ی صلیبی خویش را در پراکنده ساختن قضیه‌ی سرنوشت‌ساز مسلمانان در آزادی از غرب با بازگشت حکومت اسلامی و خلافتش ادامه دهد تا بتواند آزادی تمام سرزمین اسلام و پاک‌سازی آن از استعمار غربی صلیبی را به تعویق اندازد و نگذارد تمام پایگاه‌ها، ابزار جنگی، مزدوران و رژیم یهود - که از سست‌ترین آن‌هاست - ریشه‌کن شود.

ای امتی که به‌عنوان بهترین امت برای مردم بیرون شده‌اید! ای سرچشمه‌ی وحی! ای پسران حماسه‌های بزرگ و نبردهای مفصل و عزت اصیل! جنگ ما با غرب صلیبی جنگ فرهنگی و ایدئولوژیک است و خشن و خونین. پیروزی و نصرت در مبادی بوده و در تعداد کشته‌شده‌ها و حجم ویرانی‌ها نیست؛ اما کینه و وحشی‌گری غرب صلیبی علیه شما و تهاجم سیادت‌طلبانه‌اش در ریختن خون‌تان در تمام جنگ‌ها عظیم است. این از ترس مردن فرهنگش و فانی شدن فلسفه و تعفن نظامش هست. به خاطر اینست که عظمت اسلام‌تان چشمانش را برده و نسبت به شما ستمکار گشته است. عزم و تصمیم‌تان را مبنی بر بازگرداندن عزت و بزرگواری و نزدیک شدن تحقق هدف‌تان در حاکم ساختن شریعت پروردگارتان و طلوع صبح اسلام و نابودی شب غرب کافر و ملعون نزدیک

است. بنابراین آرزو دارد شمارا مرده ببیند؛ درحالی که مرگ و زندگی در دست جبار آسمان‌ها و زمین بوده و ما بندگان هستیم. الله مولای ماست؛ درحالی که غرب ملعون کافر مولایی ندارد.

ای بهترین امتی که برای مردم خارج شده‌اید! ای گنجینه‌ی وحی! فرزندان بدر، احزاب، فتح مکه، مکه، موتة، یرموک، قادسیه، عموریه، زلاقه، حطین، عین جالوت و فتح قسطنطنیه! ما از کم بودن نمی‌ترسیم و از لشکرکشی کفر ضعیف نمی‌شویم. نیرو و تجهیزات همیشگی مان ایمان ماست که هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود. ما در روز بدر کبرا و روز فرقان کمترین بودیم، اسب‌های ما قابل ذکر نبود و شمشیرهای انگشت‌شمار داشتیم؛ اما ایمان ما با ایمان نبوت گره‌خورده بود. در آن روز سرهای شرک و رهبران باطل را درو کردیم و تاریخ بزرگ‌ترین حماسه‌ها را رقم زدیم. آن را در آیندگان سنت نهادیم و این گشودن دروازه بود که شمشیرهای مثنی رضی‌الله‌عنه برای مهران ابن باذان فارسی معنی جهنم زمین را نشان داده و تلخی مرگ را برایش چشاند. جسدش اولین محصول بود که مثنی با آن شروع نمود و تا رسیدن به جنگ بزرگی با مشرکین فارسی پایان نداد؛ جنگی، که بنابر روایت تاریخ از صد هزار کشته، اعم از کشته‌شده‌ها با شمشیر تا افرادی که هنگام فرار از شمشیرهای مسلمین غرق شدند، گذشت. در آن روز تعداد ما از دوازده هزارتن از مؤمنین شدید تجاوز نمی‌کرد؛ درحالی که تعداد مشرکین فارس صدوپنجاه هزار اسب سوار، پیاده و فیل سوار بودند. نیروی‌شان آن‌ها را در برابر الله سبحانه‌وتعالی اصلاً کفایت نکرد. الله متعال با جنایتکاران این چنین می‌کند.

ای نوادگان خالد، ابی عبیده، قعقاع، مثنی، محمدبن قاسم، طارق بن زیاد، معتصم، یوسف بن تاشفین، صلاح‌الدین، مظفرقطز و محمد فاتح! ای فرزندان نبرد کرامه و حماسه‌های فلوجه، سنگرهای تورابورا، کابل و طوفان الاقصی! قسم به پروردگار هرآن قدر که سخت ابتلا شوید و هرچند سخت امتحان شوید، جز این که آماده‌سازی از سوی پروردگار حکیم و دانا برای بندگان مؤمنش برای نصرت بزرگ و انتخابی برای امکانات و قدرتی آشکار خواهد بود. پس عجله کنید، به ریسمان پروردگارتان چنگ بزنید، سست نشده و اندوهگین نباشید؛ پس شما بلندمرتبه هستید! نیرو و توان‌تان را یکجا کنید و از زدن درهای ارتش‌های‌تان ناامید نباشید. در آن‌ها جشن پیروزی‌تان نهفته است و این طریقه پیامبرتان است؛ پس با کثرت پایبند آن باشید و آن را تعقیب کنید! یقین کنید که رحمت الله سبحانه‌وتعالی برای نیکوکاران نزدیک است و فرجام خوب از آن پرهیزگاران است.

﴿...وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [اعراف: ۵۶]

ترجمه: و او را با بیم و امید بخوانید، قطعاً رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (5) وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ﴿[قصص: ۵-]

[6]

ترجمه: و ما اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم. به آنان (مستضعفان) در زمین، قدرت و تمکن بخشیم.

نویسنده: استاد مناچی محمد.

برگرفته شده از رایبه شماره 467

چهارشنبه 17 ربیع الآخر 1445 هـ.ق.

مترجم: حبیب اسلمی